

# Verses

Composed at the request of a Comonittee appointed  
to conduct a concert for the benefit of a Wandering Harp  
player from his birth a recluse the most pupil of the  
... the latest ... professor of  
... national music, ...  
... 1818.



نادر احمدی

# طلیعه ادبیات زنان در استرالیا



... and bid with soul of fire -  
... thousand joys attend the bliss -  
To touching beauty's smile!

تاریخ ادبیات مستعمره استرالیا با سرایش قصیده مدحی-غنائی مایکل ماسی روبینسون آغاز می‌شود. او این قصیده را در سال ۱۸۱۰ میلادی و به مناسبت تولد پادشاه و ملکه انگلستان در سیدنی استرالیا سرود. مایکل روبینسون جزو محکومین و مغضوبین انگلستان بود. او که دانش آموخته آکسفورد و به کار وکالت مشغول بود، به جرم باجگیری محکوم به اعدام شده بود، اما جرم او به تبعید به سرزمین تازه کشف شده قطب جنوب تبدیل شد. سرانجام کشتی آنان در سال ۱۷۹۸م به ساحل سیدنی بار نهاد. در این سال از ورود نخستین گروه مهاجران و استعمارگران آنگلوساکسون به قاره استرالیا تنها ده سال گذشته بود. از آن جا که در مستعمره استرالیا و این جامعه نوپا افراد باسواد و دانش آموخته محدود بودند، مایکل روبینسون با وساطت دادیار قضایی ارتش که همسفر او بود، به شغل دیوانی دست یافت. او ضمن کار دیوانی به مشق شعر و صیقل دادن ذوق خود نیز پرداخت. از همین رو عنوان نخستین شاعر استرالیا را از آن خود کرده است. با توجه به نوپا بودن جامعه و نبود افراد تحصیل کرده در میان آنان جریان ادبی در این قاره بسیار به کندی شکل گرفت. بیشتر ساکنان این مستعمره محکومین تبعید شده‌ای بودند که ادبیات و فرهنگ و حتی سواد کافی نداشتند. تنها باسوادان این جامعه نوپا دیوان سالاران و مقام‌های سیاسی و نظامی بودند. مقامات بیشتر به نوشتن گزارش‌های رسمی، یادداشت‌های روزانه و چشم‌دیدهای خود از قاره جدید می‌پرداختند، بخصوص که در خود انگلستان عطش دانستن از سرزمین جنوبی شدید بود. خوانندگان، ناشران و مطبوعاتچی‌ها برای رسیدن نامه‌ها، خبرها و گزارش‌های تازه از این مستعمره لحظه شماری می‌کردند. اغلب مهاجران نخستین، مشغول ثبت رویدادهای روزانه و توصیف سرزمین بکر نواحی جنوب بودند و عمده این افراد را نیز مردان تشکیل می‌دادند. در میان آنان انگشت‌شمار زنانی دیده می‌شوند که به نامه‌نویستن به دوستان و خانواده‌های خود در بریتانیا دست زده‌اند. در جنگ ادبیاد<sup>۱۲۹۴</sup> مکوایی بن ادبیات استرالیا تعدادی نامه از زنانی که در اواخر قرن نوزده به این مستعمره آمده‌اند، درج شده است. این نامه‌ها هر چند شخصی‌اند، اما به عنوان نمونه‌هایی از ادبیات و نگارش زنان در طلیعه تاریخ ادب این کشور تلقی می‌شود. تمرکز این مقاله بر دو نوع ادبی شعر و داستان است. بنابراین، از پرداختن به نامه‌ها می‌پرهیزم.

از روزی که قصیده مایکل روبینسون در مستعمره استرالیا سروده شد تا هنگامی که نخستین زنی فعل و نام‌آور در عرصه

ادب این قاره حضور یافت و بر این خاک تقدیده شعر سرود ۲۸ سال گذشت. نخستین مورد آن هم شاعرزنی شناخته‌شده و ذوق آزموده به نام الیزا همیلتون دنلوب است.

آری، خانم الیزا دنلوب اهل ایرلند بود و متولد ۱۷۹۶م که شعر را در کودکی آغاز کرده بود. شعرهای او در مطبوعات آن زمان ایرلند از جمله در نشریه دویلین پنی نیز چاپ شده بود. او با همسر و فرزندان به قصد مستعمره جدید یعنی استرالیا بار سفر بست و در ۲۵ فوریه سال ۱۸۳۸م به ساحل سیدنی پیاده شدند. همسر خانم دنلوب شغل دیوانی داشت. به همین خاطر خانم دنلوب در دنبال کردن علایق خود تا حدی هم فراغت بال داشت و هم امن عیش. چند ماه بعد از ورود او به این مستعمره جنایت هولناکی روی داد. تعداد ۲۹ نفر از مردم بومی یک روستا توسط سفیدپوستان مسلح یکجا قتل عام شدند. هرچند این واقعه تلخ در آن دوره معترضانی نداشت و اغلب جامعه استعمارگر به دادگاهی شدن و اعدام شدن قاتلان آن واقعه معترض بودند؛ اما عده‌ای به این جنایت اعتراض کردند و بحث به مطبوعات کشیده شد. یکی از کسانی که پیشتر این اعتراضات بود خانم الیزا دنلوب بود. در آن روزگار او از معدود سفیدپوستانی بود که از بومیان استرالیا حمایت می‌کرد. خانم دنلوب از قتل عام رودخانه مایال شدیداً متأثر شد و یکی از معروف‌ترین شعرهای خود با عنوان «مادری از رودخانه مایال»<sup>۱</sup> را در رثای کشته‌شدگان رودخانه مایال سرود. آن گونه که تاریخ گواهی می‌دهد مستعمره اوقیانوسیه شاهد قتل عام‌هایی این چنینی زیاد بوده است، اما این نخستین مورد پس از ورود الیزا دنلوب به این سرزمین بود. این واقعه روح او را شدیداً آزرده و او را در کنار مردم بی دفاع بومیان قرار داد.

شعر مادری از رودخانه مایال به واقع حامل ویژگی‌های شعری درخور در حوزه ادبیات است. نخست این که این شعر رثاییه است و سخن‌پردازی در این موضوع غالباً با حس و عواطف انسان ربط می‌یابد. اگر درست پردازش شود تأثیری آن جان‌گداز خواهد بود. در واقع خانم دنلوب از این عنصر تمام و کمال بهره برده است و اثری استخوان‌دار و تأثیرگذار آفریده است. جنبه عاطفی شعر از این جهت قوی است که به قول خانم کتی هارسون: «دنلوب مادر ابوریجینالی<sup>۲</sup> را نه به عنوان قهرمان، بلکه به عنوان انسانی

۱. رودخانه مایال: (Myall Creek) محل قتل عام بومیان ایالت نیو ساوت ولز در سال ۱۸۳۸م.

۲. ابوریجینال (Aboriginal): بومیان استرالیا.

تصویر کرده که بی دفاع و مظلوم است، مورد تجاوز سفیدپوستان قرار گرفته و از تبعیض رنج می برد.»

دوم این که خط عمودی شعر بسیار زیرکانه و حس برانگیز انتخاب شده است. شخصیت اصلی شعر مادری است که شاهد قتل عام تمام قبیله اش بوده؛ همسرش را کشته اند، پسر ارشد او را سر بریده اند و مادر، سر بریده فرزند ارشد را جلو پاهای خود دیده است. سرانجام مادر که جان کودک خود را از مهلکه نجات داده و در جایی پنهان شده است، برای کودک شیرخوارش لالایی می خواند. مادر خطاب به فرزندش به چند نکته اشاره می کند.

۱. کودک را وادار به سکوت می کند. این فراخوان به سکوت با بیان لالایی آینده تاریخ کودک را ترسیم می کند. خفقان ناشی از حضور استعمارگران سفیدپوست و استیلای آنان بر زندگی کودک بسیار ملموس و واقعی گوشزد می شود.

۲. قتل عام و نحوه کشته شدن اعضای خانواده در صحنه های تلخی به تصویر کشیده می شود؛ مانند کشته شدن پدر خانواده یا سربریده شدن فرزند ارشد و هم چنین آواره شدن مادر و کودک او.

۳. در مؤثر ساختن واقعه از الگوهای فرامتنی مثل ارجاع به کتاب مقدس نیز بهره برده است.

۴. بیان حماسی در شعر باعث شده جان باختگان و قتل عام شده ها جایگاه ارزشی بلندی بیابند و قاتلان در جایگاه مهاجم و قاتل منفور بمانند.

۴. به لحاظ زبانی کوشیده است برخی از واژه های زبان بومیان را وارد شعر کرده و ضمن حفظ آن ها، به آن ها ارزش فرهنگی بدهد.

۵. بی دفاع بودن مردم بومی را در برابر سفیدپوستان غیر مستقیم تبیین کرده است.

همین ویژگی های ادبی، عاطفی و بیانی شعر بود که هنگام انتشار آن در شهر سیدنی بحث ها و گفتگوهای فراوانی را پیرامون کشتار رودخانه مایال و اعدام مسیبین آن واقعه برانگیخت. شعر در سیزدهم دسامبر ۱۸۳۸م چند روز قبل از اعدام قاتلان آن واقعه در روزنامه «دی استرالیان» چاپ شد. دیری نگذشت که نقد و اعتراض هایی نیز علیه شعر خانم دنلوپ در روزنامه

«سیدنی هرالده» منتشر شد. لحن آن اعتراض ها به گونه ای بود که خانم دنلوپ به سردبیر روزنامه سیدنی هرالده نامه نوشت و از مجادله بی دلیل آن ها و بی دفاع بودن مردم بومی دفاع کرد. برخی از روزنامه ها هم از نشر شعر خانم دنلوپ خودداری کردند.

یکی دو بند از منظومه مادری از رودخانه مایال را مرور می کنیم:

هیس! هیس!

سکوت کن فرزندم سکوت

شاید دیگر نتوانم از تو مراقبت کنم

ما اکنون از کلبه جنگلی مان فرسنگ ها دوریم

و ستاره درخشان مان غروب کرده

فرزندم آرام باش

مبادا مردان سفیدپوست ضجه دلخراش تو را بشنوند

...

فرزندم

بدون پشت و پناه

بدون سالار و سردارم

به کجا بگریزم

اکنون که مردم در کنارم نیست

و آن خون که مایه زندگی مان بود بر خاک بیابان

ریخته

بزرگمرد!

آیا «تون بکرا»

آن عقاب جسور کوهستان

که هرگز به مردن او نمی اندیشیدم

دیگر ناله هایم را نخواهد شنید.

خانم الیزا دنلوپ شعرهای دیگری هم با موضوع

بومیان سرزده است؛ شعرهایی که نشان دهنده میل

باطنی همسویی و همدردی شاعر با مردم ابوریجینال

این مستعمره است. این که خانم دنلوپ پیوندی انسانی

عمیقی با جامعه و بومیان استرالیا داشته و به حمایت

از آنان در جمع سفیدپوستان پرداخته نکته ای ظریف و

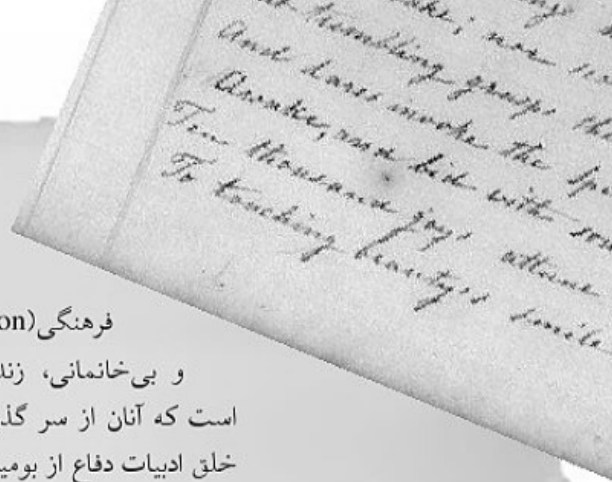
قابل تأمل است. در دو قرن اول تاریخ استعماری استرالیا

بومی ها وقایع و حوادث المناکی را تجربه کرده اند.

کشتارهای دسته جمعی، نابودی زبانی و فرهنگی،

غصب زمین، تخریب محیط زیست، نسل کشی

خط عمودی شعر بسیار زیرکانه و حس برانگیز انتخاب شده است. شخصیت اصلی شعر مادری است که شاهد قتل عام تمام قبیله اش بوده؛ همسرش را کشته اند و پسر ارشد او را سر بریده اند و مادر، سر بریده فرزند ارشد را جلو پاهای خود دیده است. سرانجام مادر که جان کودک خود را از مهلکه نجات داده و در جایی پنهان شده است، برای کودک شیرخوارش لالایی می خواند.



بریتانیا پیشتازان و طرفدارانی داشت.

مورد دوم خانم فیلیا هیل است. او چند سال قبل از خانم دنلوپ از بریتانیا به مستعمره استرالیا می‌آید. سفر خانم هیل در پی سفر کاری همسرش به استرالیا روی می‌دهد. خانم فیلیا هیل متولد ۱۷۹۴م در شهرستان یورک‌شایر انگلستان است. او در بریتانیا شاعر موجهی بوده و با شعر و ادب عصر ویکتوریا هم به خوبی آشنا. دفتری از شعرهای او حاوی آوازه‌های مذهبی و مدحیه‌ها در لندن چاپ شده بود.

خانم هیل در سال ۱۸۳۰م وارد مستعمره استرالیا شد. آن‌ها جهت یافتن موقعیت کاری خوب به شهرها و ایالت‌های مختلف سفر کردند. در سال ۱۸۳۶م وارد شهر تازه تأسیس آدلاید شدند. در همین شهر او یکی از شعرهای معروف خود در استرالیا را سرود. این شعر با عنوان «آدلاید» در باره شهر آدلاید مرکز استرالیای جنوبی است. استرالیای جنوبی با همین شعر وارد ادبیات استرالیا شد. شعر آدلاید با زبان و خصوصیت‌های تکنیکی و ادبی عصر ویکتوریا سروده شده و زبان آرکانیک آن روشن و ملموس است. شعر توصیفی است از شهری متفاوت با شهرهای بریتانیای آن زمان. حس عاطفی و تجربه‌های زیستی شاعر در شعر منعکس شده است.

خانم فیلیا هیل خود را نخستین زن مؤلف و آفرینشگر مستعمره استرالیا می‌دانست و در پی همین اندیشه بود که کم‌کم ایده زنان مؤلف استرالیا شکل گرفت. پس از او دیگر زنان ستون‌نویس، گزارشگر و روزنامه‌گار این مستعمره برای کسب هویت و جایگاه علمی، فرهنگی و صنفی خویش کوشیدند. هم‌چنین خانم هیل نخستین زنی است که در استرالیا کتاب چاپ کرد. یعنی مجموعه‌ای از شعرهای او با عنوان: «شعرهای تازه و بازخوانی گذشته» در سال ۱۸۴۰م منتشر شد. شعرهای خانم هیل چه در بریتانیا و چه در استرالیا بازتاب تجربه‌های زندگی خود اوست. البته در شعرهایی که در مستعمره استرالیا سروده شده نگاه شاعر نگاهی از بیرون به موضوع است. یعنی او به مسائل استرالیا که مستعمره‌ای بیش نبود، هم‌چون پدیده‌ای بیگانه و خارج از جهان زندگی خویش می‌دید. به یک

### فرهنگی (Stolen generation) آوارگی

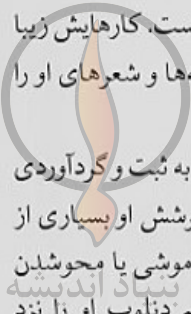
و بی‌خانمانی، زندان و تبعید مصیبت‌هایی است که آنان از سر گذرانده‌اند. در شرایطی چنین خلق ادبیات دفاع از بومیان و حمایت‌های سیاسی و اجتماعی از آنان توسط خانم دنلوپ ارزش انسانی و فرهنگی فراوانی دارد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل همدردی خانم دنلوپ با بومیان و حمایت‌های او از آنان ایرلندی بودن خانم دنلوپ باشد؛ زیرا ایرلند خود مستعمره بریتانیا بود. طبیعی است که مردم ایرلند طعم تلخ مستعمره بودن را چشیده و آن را تجربه کرده‌اند. به همین خاطر کشتارهای بومیان استرالیا را بر نمی‌تافتند. شعر مادری از رودخانه مایال، بی‌سبب بر زبان او جاری نشده است. این شعر ثمره روح آزاده و عواطف به غلیان درآمده است. گفتنی است که بر روی تعدادی از شعرهای خانم دنلوپ از جمله همین شعر آهنگ ساخته شده است.

خانم الیزا دنلوپ علاوه بر سرودن شعر به ترجمه شعر بومی‌ها به انگلیسی نیز کوشید. از آن جمله ترجمه شعرهایی از شاعر معروف بومی‌ها آقای «ولاتی» است. ولاتی ترانه‌سرا و شاعر بومی استرالیا پیش از خانم دنلوپ می‌زیسته است. اما اطلاعات زیادی در باره زندگی او در دست نیست. کارهایش زیبا بوده و خانم دنلوپ تعدادی از ترانه‌ها و شعرهای او را به انگلیسی برگردانده است.

الیزا دنلوپ در کنار ترجمه شعر به ثبت و گردآوری واژه‌های بومی نیز پرداخت. این کوشش او بسیاری از واژه‌های زبان بومیان را از حفره فراموشی یا محوشیدن بیرون کشید. سرانجام منش خانم دنلوپ او را نزد بزرگان و اهالی بومی این مستعمره، عزیز، قابل احترام و قابل اعتماد ساخت. گویا خانم دنلوپ یکی از ایشان بود.

نکته حایز اهمیت دیگر این است که شعر مادری از رودخانه مایال و دیگر شعرهای دادخواهانه خانم دنلوپ او را با شاعران جنبش ضدبردگی جهان و ادبیات مقاومت علیه برده‌داری همسنگ و هم‌شان می‌سازد؛ ادبیاتی که هم در ایرلند، هم در امریکا و حتی در خود

این‌که خانم کولینز خود تبعیدی و محکوم سلطنت انگلستان بوده و اهل ذوق و شعر نیز بوده و شکایت‌نامه شرح حال خود اوست یا شاعر دقیق‌النظر و تیزبین دیگری این شعر را با چنین تمی سروده، روشن نیست. از شعر شکایت‌نامه بر می‌آید که سراینده عذاب الیم تبعیدیان و حبس‌شدگان را عمیق و بی‌واسطه به تصویر کشیده است.



معنا برای خانم هیل همچنان بریتانیا وطن اصلی ست و استرالیا مستعمره. بنابراین، نوستالژی زندگی در بریتانیا، بیان دلتنگی‌ها و شکوه از روزگار سخت این مستعمره در شعرهای او مشهود است. مورد سوم طلیعه ادبیات زنان مستعمره استرالیا خانم سارا کولینز است. متأسفانه در باره زندگی، اندیشه، سیر ادبی و دیگر آثار خانم کولینز اطلاعاتی در دست نیست. گویا او اهل ایرلند بوده و بنا به دلایلی که روشن نیست محکوم شده و در پی همان محکومیت به جزیره تاسمانیای استرالیا تبعید می‌شود.

این که خانم کولینز چه زمانی تبعید شده و چه مدتی در جزیره وان دیمنز (نام آن موقع جزیره تاسمانیاست که در جنوب شرق قاره استرالیا قرار دارد) در حبس بوده نیز اطلاعاتی وجود ندارد. تنها یک نمونه شعر او در گلچین شعر امروز استرالیا آمده است. این گلچین را مؤسسه انتشارات معروف پنگونن در سال ۲۰۰۹م منتشر کرده است. شعر او با عنوان شکایت‌نامه توسط شاعر معاصر استرالیا آقای جان کینسلا کشف شده که خود گردآورنده گلچین پنگونن از شعر استرالیاست. ایشان در بخش زندگی‌نامه شاعر تنها این عبارت را آورده است: «سال ۱۸۳۹م در نشریه کولونیال تایمز منتشر شده است» که اشاره‌ای است به سال و محل چاپ و نشریه‌ای که شعر در آن به نشر رسیده است. کولونیال تایمز از نشریات جزیره تاسمانیا در نیمه اول قرن نوزدهم بوده است. شعر خانم کولینز نخستین بار در این روزنامه به چاپ رسیده است.

هم‌چنین این که خانم کولینز خود تبعیدی و محکوم سلطنت انگلستان بوده و اهل ذوق و شعر نیز بوده و شکایت‌نامه شرح حال خود اوست یا شاعر دقیق‌ال نظر و تیزبین دیگری این شعر را با چنین تمی سروده، روشن نیست. از شعر شکایت‌نامه بر می‌آید که سراینده عذاب‌الیم تبعیدیان و حبس‌شدگان را عمیق و بی‌واسطه به تصویر کشیده است.

شعر از هر جهت قوی است. گویا خانم سارا کولینز شاعر خوش‌قریحه، توانا و دردمندی بوده است. شعر او را در این بخش اندیشه‌ساز ۱۳۹۴ مرور می‌کنیم:

### شکایت‌نامه

دوبه‌دو به زنجیر بسته بودندمان  
و به تک‌تک‌مان شلاق می‌زدند  
غرش ناگهان تازیانه جار می‌زد  
مبادا نابه‌جا بجنبیم  
جیره‌مان با اندک اشتباه قطع می‌شد

در زیر تیغ آفتاب می‌دواندند ما را  
پاهای مان درد را بر زبان می‌آوردند  
سفر تمام غل و زنجیر بود  
سفر تازیانه بود و زخم  
و روزنه‌ای برای اخگر درون مان نبود  
از بام تا شام کار می‌کردیم  
سخت بود

گویی استخوان‌های مان بر تیغ ستیهنده راه می‌رود  
برای آنان با سری افراشته‌به‌زیر به‌صف می‌شدیم  
خرد می‌شدیم از مهیا کردن رختخواب بوی‌ناک و کپک‌زده‌شان

### شب‌هنگام

تهی دست و قوزکرده‌دراز می‌کشیدم  
می‌گفتم کاش هرگز از خواب برنخیزم  
تا دوباره فرماندار دژخیم این جزیره را نبینم  
شب‌هنگام که دندان بر جگر می‌فشردم  
بستر حصیری‌ام را اشک فرا می‌گرفت

مدام باد این ساحل ملالت‌بار  
در گوش مان زوزه می‌کشید  
چون نعره درندگان مخوف جزیره به دور بستر حصیری‌مان  
چه کنم  
بخت حزن‌آور مان بر این ساحل خفته است

آی جوان‌مردان  
آی دوشیزگان

آغوش خود را از واژه‌های نامیمون بتکانید  
اگر زبانم در برملاکردن راز جسور بود  
دل‌ها از بند بریده می‌شدند  
و در شقیقه‌ها خون‌گره می‌بست

### آی دختران

کاش من پروردگار شما می‌بودم  
جهان را می‌آفریدم  
و این شرارت بر شما سلطه نمی‌یافت  
اما ما فرسودگان دردوهراس  
باید مادالعمر با این جزیره سرکنیم

شعر شکایت‌نامه تصویری زنده و ملموس از رفتار حکومت با تبعیدیان محبوس در جزیره تاسمانیای قرن نوزده به دست می‌دهد. اگر هیچ قطعه شعر دیگری از خانم سارا کولینز یافت نشود، همین شعر در تأیید قریحه قوی و نگاه تیزبین او کافی است. چهارمین مورد خانم ماری لامان گریم استون است. خانم گریم استون به سال ۱۷۹۶م در هامبورگ آلمان به دنیا آمد. وقتی که پدر او برای رهایی از دست طلبکاران از لندن به هامبورگ پناه برده بود. خانم گریم استون هم شعر می‌گفت و هم داستان و رمان می‌نوشت. نخستین بار سروده‌های خود را در سال ۱۸۱۵م با نام مستعار اسکار در مطبوعات لندن منتشر کرد. او به سال ۱۸۲۵م به اقتضای کار همسر خود عازم جزیره تاسمانیای استرالیا شد. حدود چهار سال در این جزیره اقامت گزید. او در کنار سرودن و نشر شعرهای خود در مطبوعات شهر هوبارت مرکز تاسمانیا به نوشتن داستان کوتاه و خلق رمان نیز همت گماشت. بسیاری از داستان‌های کوتاه و شعرهای او در مطبوعات لندن و گاه در نشریات شهر هوبارت منتشر می‌شد. هم‌چنین از خانم گریم استون در باره وضعیت فرهنگ و دانش و جامعه آن روز شهر هوبارت دیدگاه انتقادی تندی نیز نقل شده که: «سیاره زحل آن قدر از خورشید دور نیست که شهر هوبارت از دانش و فرهنگ.» او به رغم نداشتن رضایت خاطر از زندگی در این مستعمره در کار نوشتن کوشا بود. هنگامی که در تاسمانیا زندگی می‌کرد دومین رمان خود، عشق زن، را نوشت. این رمان در سال ۱۸۳۲م در لندن منتشر شد. این رمان نخستین رمان خلق شده توسط یک زن در عالم ادبیات نوپای استرالیا به شمار می‌رود. خانم گریم استون هر چند بریتانیایی است، اما به اعتبار چندسال زندگی در مستعمره استرالیا جزو ادیبان و نویسندگان استرالیا و نخستین بانوی رمان‌نویس این کشور شمرده می‌شود. رمان عشق زن شاهکار ادبی نیست، اما از قلم پر تجربه و شناخته شده‌ای تراوش کرده است؛ زیرا این بانوی شاعر و رمان‌نویس در لندن با نویسندگان و حلقه‌های ادبی معروفی نشست و برخاست داشت. با اندیشه‌ها و افکار روز و روشنگرانه نیز آشنا بوده است. مقالات و نوشته‌های او حاوی مفاهیمی هم‌چون ملت، ناسیونالیسم و نقد اجتماعی بود. به همین دلیل رمان عشق زن او را دارای مؤلفه‌های نوینی هم‌چون طرح و طرفداری از حقوق زن و مقوله فمینیستی پیش از آغاز شدن نهضت فمینیزم در جهان است. به جز رمان عشق زن چهار رمان دیگر و دو مجموعه شعر هم از نخستین زن رمان‌نویس استرالیا به یادگار مانده‌اند.

خانم ماری گریم استون در سال ۱۸۲۹م به لندن بازگشت و تا پایان عمر (۱۸۶۹م) هم در همان جا زندگی کرد.

پایان سخن این‌که طلیعه ادبیات زنان در مستعمره استرالیا با چهار چهره‌ای که ترسیم شد، رقم خورده است. همان‌گونه که در آغاز این مطلب اشاره شد، سده نخست ادبیات این مستعمره با ورود نخستین دسته از مهاجران بریتانیایی در سال ۱۷۸۸م شروع می‌شود و تا آخر قرن هیجدهم که چیزی کمتر از یک چهارم قرن است پایان می‌پذیرد. معیار ارزش و سنجش ما در تعیین این دوره تاریخی گلچین‌ها (Anthology) و جنگ‌های ادبی هست که در استرالیا منتشر شده



الیزابت لاپوپ

مقالات و نوشته‌های او حاوی مفاهیمی هم‌چون ملت، ناسیونالیسم و نقد اجتماعی بود. به همین دلیل رمان عشق زن او را دارای مؤلفه‌های نوینی هم‌چون طرح و طرفداری از حقوق زن و مقوله فمینیستی پیش از آغاز شدن نهضت فمینیزم در جهان است. به جز رمان عشق زن چهار رمان دیگر و دو مجموعه شعر هم از نخستین زن رمان‌نویس استرالیا به یادگار مانده‌اند.

است.

امرار معاش کنند. برای زنان همین مایه مجال هم کمتر دست می‌داد. زنانی قادر به ادامهٔ علقه‌های ادبی و هنری خود بودند که همسرانشان شغل دیوانی داشتند یا خود کارمند دولت مستعمره بود. در جامعه‌ای که بسیاری از زنان مجبور به تن‌فروشی هم می‌شدند سرودن شعر و خلق رمان و داستان و به قول سهراب دل خوش سیری چند؟

تاریخچهٔ ادبیات زنان در استرالیا با مؤلفه‌هایی چون استعمار، نسل‌کشی، تبعیض نژادی، برده‌داری، مردسالاری، استعمارگری، تبعیدیان، تأسیس دولت و ملت مدرن، مبارزات ضد استعماری، حقوق بشر، حقوق زن، آزادی بیان، ایجاد جامعهٔ چندفرهنگی گره خورده است. با توجه به مروری که شد وضعیت اگر برای مردان وخیم بود برای زنان یقیناً وخیم‌تر می‌نمود.

سی‌ام مارس ۲۰۲۰  
آدلاید

## منابع

3-Niel Gunson, 'Dunlop, Eliza Hamilton (1796-1880)', Australian Dictionary of Biography, National Centre of Biography, Australian National University, <http://adb.anu.edu.au/biography/dunlop-eliza-hamilton-2007/text2455>, published first in hardcopy 1966, accessed online 30 March 2020.

4- Mary Leman Grimstone:

Michael Roe, 'Grimstone, Mary Leman (1796-1869)', Australian Dictionary of Biography, National Centre of Biography, Australian National University, <http://adb.anu.edu.au/biography/grimstone-mary-leman-12954/text23413>, published first in hardcopy 2005, accessed online 29 March 2020.

5- Harson, Katie. "A Forgotten Colonial Women Poet." *Tintean*, November 06, 2015, [www.tintean.org.au](http://www.tintean.org.au)

6- Kinsella, John ed. *The Penguin Anthology of Australian poetry*. Australian: Penguin Group, 2009.

7- Jose, Nicholas ed. *Macquarie Pen Anthology of Australian Literature*. Sydney, Australia: Allen & Unwin, 2009.

8- Australian Dictionary of Biography

<http://adb.anu.edu.au>

9- Austrian Poetry Library,

<https://www.poetrylibrary.edu.au/poets/hill-fidelia-s-t>

ملاک تعیین زمان در آن گلچین‌ها نیز تاریخ تولد شاعران و نویسندگان است. روشن است که شاعران و نویسندگان اولیه این مستعمره از بریتانیا و دیگر مستعمره‌های آن همانند ایرلند و اسکاتلند به استرالیا آورده شده‌اند یا خود آمده‌اند؛ زیرا بیشتر مهاجران اولیه محکومین، تبعیدشده‌ها و یا حکومت‌چی‌هایی بودند که به رتق‌وفتق امور محکومین می‌پرداختند. با این وضعیت اهل فرهنگ و دانش و هنر رغبتی به زندگی در این مستعمره نداشتند. انگشت‌شمار کسانی که در سال‌های نخستین به این خاک تقدیده پا گذاشتند خود جزو محکومین بودند و تا نیم‌قرن اول تاریخ این مستعمره کسی انگیزهٔ آمدن به این قلمرو را نداشت؛ زیرا شرایط زندگی و رفاه اجتماعی پایین بود، درآمد کافی وجود نداشت و هرچیزی باید از نو بنا می‌شد. هرچند تعدادی از مهاجران در آغاز قرن نوزدهم هم به دنبال زندگی بهتر عازم استرالیا می‌شدند. تا اواخر قرن نوزدهم که طلا در این سرزمین کشف شد، شرایط تغییر کرد، شیوهٔ زندگی، کار و درآمد ارتقا یافت.

از موضوع دور نویم. ادیبانی که در ربع آخر قرن هیجدهم به دنیا آمده بودند و پای‌شان هم به خاک بکر استرالیا رسید، بخصوص زنان شرایط دشوار نیم‌قرن نخست را عمیقاً تجربه کردند. برخی نیز آن را تاب نیاوردند و مانند ماری لامان گریم‌استون به لندن بازگشتند. زنانی هم بودند که چه در عرصهٔ زندگی و چه در تجربهٔ فرهنگی و ادبی مقاومت کردند و همین‌جا ماندگار شدند و مانند الیزا دنلوپ سکه به‌نام خود ضرب کردند. این تعداد شاعران و نویسندگان بیشتر عمر ادبی خود را در نیمهٔ اول قرن نوزدهم سپری کرده‌اند.

تاریخ گواهی می‌دهد که نخستین دستهٔ مهاجران ابزار چاپ و نشر محدود و ابتدایی با خود آورده بودند پس برای چاپ و نشر کتاب در این مستعمره دودهٔ دیگر لازم بود تا این صنعت صورت رسمی‌تر و حرفه‌ای‌تری به خود بگیرد.

## بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

نخستین شاعران و نویسندگان جایگاه شناخته‌شده‌ای نداشتند و درآمدی بابت کار و خلاقیت‌های ادبی خود دریافت نمی‌کردند. یا مبلغ دریافتی آنان بسیار ناچیز بود. به همین خاطر زنانی که علایق فرهنگی و ادبی داشتند به نوشتن گزارش و جنایی‌نویسی در روزنامه‌ها می‌پرداختند. شایستهٔ ذکر است که ادیبان زن کتاب‌های خود را نیز با هزینهٔ شخصی منتشر می‌کردند. زیرا چاپ کتاب هم هزینه‌بر بود و هم کم‌مشتري. کسی روی کتاب سرمایه‌گذاری نمی‌کرد. انگشت‌شمار نویسندگانی می‌توانستند از راه نویسندگی